



تصحیح و شرح پنج رساله از ابوالقاسم شیرازی

(مختص به راز)

۱) مرآت العارفین؛ ۲) منکب العاشقین؛ ۳) توحید؛ ۴) مرصاد العباد؛ ۵) منہج

مدفوع حکیم بر بزم پیشین قرن سیزدهم هجری قمری

تصحیح و شرح عباس مرادی



مرکز نشر دانشگاهی

تصحیح و شرح پنج رساله از ابوالقاسم شیرازی

(۱. مرآت العارفین؛ ۲. مناسک العاشقین؛ ۳. قنوتیه؛ ۴. مرصاد العباد؛ ۵. منامیه)

عارف و حکیم برجسته شیعی قرن سیزدهم هجری قمری

تصحیح و شرح عباس مرادی

ویراسته: ع. اکبر و دام
نسخه پراکنده: لیلای حسنی، زهره وهیده
حروف و تصحیح: محمد آرا: داوود ربیعی
طراح جلد: حسین راست‌مشت
ناظر چاپ: حمیدرضا میرحی
مرکز نشر دانشگاهی
چاپ اول ۱۳۹۷
تعداد ۱۰۰
چاپ و صحافی: توس
۳۲۰۰۰ تومان

نشانی فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب، روی سینما سپیده، پاساژ خیبری، تلفن: ۶۶۴۱۰۶۸۶، ۶۶۴۰۸۸۹۱
نشانی فروشگاه و نمایشگاه دائمی: خیابان دکتر مفتح، خیابان خالد اسلامبولی، پش خیابان دهم، شماره ۵۰، تلفن: ۸۷۷۵۹۵۴

فروش اینترنتی: bookiup.ir



171501643810000111111

حق چاپ برای مرکز نشر دانشگاهی محفوظ است

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه: مرادی، عباس، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: رساله قنوتیه. فارسی

تصحیح و شرح پنج رساله (۱. مرآت العارفین، ۲. مناسک العاشقین، ۳. قنوتیه، ۴. مرصاد العباد، ۵. منامیه) از میرزا

ابوالقاسم حسینی شریفی ذبی شیرازی متخلص به راز، تصحیح و شرح عباس مرادی.

مشخصات نشر: تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۷۱۲ ص. مصور.

فروست: مرکز نشر دانشگاهی: ۱۵۲۵، عرفان: ۱۰.

شابک: 978-964-01-1525-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: میرزا بابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبدالنبی، ۱۲۸۶ ق. مناسک العاشقین - نقد و تفسیر

موضوع: میرزا بابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبدالنبی، ۱۲۸۶ ق. مرآت العارفین - نقد و تفسیر

موضوع: میرزا بابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبدالنبی، ۱۲۸۶ ق. قنوتیه - نقد و تفسیر

موضوع: میرزا بابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبدالنبی، ۱۲۸۶ ق. منامیه - نقد و تفسیر

موضوع: میرزا بابا شیرازی، ابوالقاسم بن عبدالنبی، ۱۲۸۶ ق. مرصاد العباد - نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۳ ق. - تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry-19th century-History and criticism

موضوع: نثر فارسی - قرن ۱۳ ق. - تاریخ و نقد

موضوع: Persian prose literature-19th century-History and criticism

شناسه افزوده: مرکز نشر دانشگاهی

شناسه افزوده: Iran University Press

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۴۸۴/۷۴۴۱ PIR

رده‌بندی دیویی: ۸۱۵/۵۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۵۴۲۲

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
پنج	مقدمه محمدیوسف نیری
۱	پیشگفتار
۷	فصل اول. تصحیح و شرح رساله مرات العارفين
۷	۱. پیش درآمد
۸	۲. ویژگیهای سبکی و دستوری
۱۲	۳. معرفی نسخ خطی رساله
۱۹	۴. تصحیح رساله مرات العارفين
۱۳۴	۵. شرح رساله
۳۵۰	فصل دوم. تصحیح و شرح رساله مناسک العاشقين
۳۵۰	۱. پیش درآمد
۳۵۱	۲. ویژگیهای سبکی و دستوری رساله
۳۵۶	۳. معرفی نسخه‌های خطی رساله
۳۶۸	۴. تصحیح رساله مناسک العاشقين
۴۲۹	۵. شرح رساله
۴۸۰	فصل سوم. تصحیح، ترجمه و شرح رساله قنوتیه
۴۸۰	۱. پیش درآمد

صفحه	عنوان
۴۸۰	۲. ویژگیهای سبکی و دستوری رساله
۴۸۳	۳. معرفی نسخه‌های خطی رساله
۴۹۰	۴. تصحیح رساله
۵۲۹	۵. ترجمه و شرح رساله
۵۸۱	فصل چهارم. تصحیح و شرح رساله مرصاد/العباد
۵۸۱	۱. پیش‌درآمد
۵۸۱	۲. ویژگیهای سبکی و دستوری رساله
۵۸۳	۳. معرفی نسخه‌های خطی
۵۹۱	۴. تصحیح رساله
۶۱۶	۵. شرح رساله
۶۳۹	فصل پنجم. تصحیح و شرح رساله سبیه
۶۳۹	۱. پیش‌درآمد
۶۴۰	۲. ویژگیهای سبکی و دستوری رساله
۶۴۱	۳. معرفی نسخه‌های خطی
۶۵۰	۴. تصحیح رساله
۶۷۱	۵. شرح رساله
۶۷۹	منابع و مأخذ

هو الولی الحمید
طراز شهر راز

مقدمه محمد یوسف نیری

پشت دوتای فلک راست شد خرمی
تا چو تو فرزند زاد مادر ایام را
حکمت محض است اگر لطف جهان آفرین
خاص کند بنده‌ای مصلحت عام را
وصف تو را گر کنند ور نکنند اهل فضل
حاجت مشاطه نیست روی دلارام را

میرزا ابوالقاسم حسینی شریفی ذهبی شیرازی، معروف به آقا میرزا بابا و متخلص به راز، حکیم، عارف، مفسر، شاعر، و نویسنده قرن سیزدهم ق. از مخیرترین تشنه شیعه امامیه و از افتخارات جاودانه فارس است.

اگر این بزرگ‌مرد را تنها سند عرفان شیعی بنامیم، سخنی به گشای آن نگفته‌ایم. آثار بی‌بدیل و فراوان او — که آمیزه‌ای از عرفان، برهان، قرآن، و معجونی روح‌نواز از ذوق و عقل و علم است — حجتی روشن بر این مدعاست.

راز شیرازی جامع علم و عمل و حال و قال بود. هر هنر ظریف و دلپذیر که بتوان در اهل حکمت و عرفان و علم سراغ گرفت در وجود پربرکت او موجود بود. همت آن کامل‌نظر در تربیت مستعدان و طالبان درگاه ربوبی، از یک سو، و یکه‌تازی شهسوارانه‌اش در ساحت اندیشه‌وری و معرفت‌پروری، از سوی دیگر، همراه عشق آتشین وی به اهل عصمت و طهارت جانی نو در حکمت و عرفان شیعه امامیه دمید.

بر این تقدیر، تعریف و توصیف و تشخیص ساحت‌های تودرتوی ذوق و اندیشه چنین بزرگی کاری سخت دشوار و برای کسانی چون نگارنده محال است؛ به قول سعدی بزرگ: هزار جامه معنی که من براندازم به قامتی که تو داری قصیر می‌آید واقعیت امر را باید در تخلص زیبای او جستجو کرد. او راز است، رازی که در میان اهل راز نیز راز خواهد ماند.

خاندان علمی و عرفانی

سید ابوالقاسم راز از فرزندان دکان ادیب، عارف، حکیم، زبان‌شناس، فیلسوف، پژوهشگر، و دانشمند بزرگ ایران، میر سید شریف‌الدین علی (۸۱۶ - ۷۴۰ ق.)، معروف به میر سید شریف؛ سید جرجانی، و شریف جرجانی است. او در عنفوان جوانی (بیست سالگی) انواع دانش‌های برگار خود را با مهارت تدریس می‌کرد. زمانی که شاه شجاع مظفری در سال ۱۲۸۱ ق. در شیراز استرآباد فرود آمد، میر سید شریف به لشکرگاه او رفت و در آنجا با سعدالدین تفتازانی آشنا شد و او سید را به حضور شاه برد.

دانش سرشار و استعداد شگرف سید در نخستین جلسه گفتگوی شاه با او چنان جلوه کرد که او سید را با خود به شیراز آورد و منصب تدریس در دارالشفا را به وی ارزانی داشت. او در شیراز به تدریس ریاضیات علمی و مناظرات مشغول بود تا اینکه امیر تیمور فارس را گرفت و میر سید شریف را با خود به سمرقند برد. مناظرات او با سعدالدین تفتازانی در این دوره اقامت بسیار مشهور است چون تیمور درگذشت، میر به شیراز بازگشت و تا آخر عمر در این شهر ماند و آرامگاه او نزدیک مدرسه منصوریه هنوز بر جاست.^۱

گروهی انبوه از دانشوران شیعی و غیر شیعی شاگرد یا راوی اندیشه‌های میر بودند، از جمله: فرزندش میرشمس‌الدین، جلال‌الدین محمد بن عبدالعزیز - خوانی شافعی، ابوالفتح نورالدین احمد طاووسی ابرقویی شیرازی، منصورالدین حسن کازرونی، جلال‌الدین دوانی، و ...

۱. با کمال تأسف این آرامگاه که زیر یک چهارطاقی ساده و باز قرار دارد تاکنون چندین بار به بهانه تعریض کوچه در خطر تخریب و نابودی قرار گرفته است. طرفه آنکه در این فعل و انفعالات حتی سنگ تربت میر را در دارالعلم شیراز به صورت وارونه و خلاف شیوه مشروع و مرسوم نصب کرده‌اند! نگارنده بارها به مسئولان تذکر داده، ولی عملاً شاهد اقدامی نبوده‌ام!

تألیفات میرسید شریف به فارسی و عربی همگی گرانهاست؛ از جمله: اصطلاحات الصوفیه، کتاب امثله، صرف افعال مختصر عربی (ضمن جامع المقدمات)، ترجمان القرآن، تعریفات العلوم و تحدیدات الرسوم مشهور به التعریفات، تجوید القرآن به فارسی، ترجمان القرآن به فارسی، رساله در حقیقت وجود، شرح کافیة ابن حاجب (به عربی و فارسی)، الحاشیه الصغیره علی شرح الشمسیه (به عربی)، الحاشیه علی شرح الشمسیه صغری (به فارسی در منطق)، کبری (به فارسی در منطق)، شرح المواقف (به عربی در علم کلام) که شرحی است بر مواقف قاضی عضدالدین ایجی، عوامل جرجانی و...

میرزا شریف به دانشها و کمالات ظاهری بسنده نکرد و در راه سلوک الهی نیز گام برداشت. بعضی او را مرید شیخ زین الدین علی کلاه دانسته و گروهی سند خرقه او را به خواجه عبدالله امام صفهانی رسانده‌اند. بر این تقدیر، دو میراث گرانسنگ علم و عرفان در خاندان او جای ماند و چنان شد که بزرگترین و توانمندترین مدافعان ولایت علوی از این دودمان برخاستند. نوشته شادروان دکتر اسدالله خاوری در کتاب ذهییه (۱۳۶۲: ۳۴۵)، میرزا حبیب شریف حسینی از فرزندزادگان سید در سال ۹۰۷ ق. برای نخستین بار در مسجد جامع شیراز بعد از خطبه نماز جمعه نام ائمه اطهار را زینت بخش کلام خود کرد. این خبر به سال ۹۰۹ ق. به شاه اسماعیل صفوی به شیراز آمد و زیانه‌ای او را جبران و تولیت آستان مقدس شاه چراغ (ع) ا به وی واگذار کرد.

نسب راز شیرازی با سه واسطه، به این ترتیب، به میرزا حبیب‌الله شریفی می‌رسد: امیر سید حبیب‌الله شریفی حسینی (واقف)^۱، امیر سید محمد شاه اسماعیلی شریفی حسینی، امیر سید ابوالقاسم شریفی حسینی، امیر سید عبدالنبی شریفی حسینی معروف به میرزا عبدالنبی (۱۲۳۱-۱۱۵۱ ق.) مدفون در حافظیه شیراز، سید ابوالقاسم شریفی حسینی ذی‌حجّه ۱۱۵۱ ق. محصل به راز. در انساب پدری و مادری راز شیرازی چهره‌های برجسته علمی و عرفانی فراوانی بوده‌اند. نخست پدر او سید عبدالنبی، سی و چهارمین رکن سلسله ذهییه و داماد آقامحمد هاشم ذهی شیرازی، سی و سومین رکن سلسله ذهییه، صاحب کتاب مناهل التحقیق^۲ بود.

۱. سبب اصلی تولیت امیر سید حبیب‌الله شریفی حسینی املاکی است که او بر حرم حضرت شاه چراغ (ع) وقف کرد و این منصب به صورت موروثی در خاندان او باقی ماند.

۲. رساله مناهل التحقیق از آثار ارزشمند عرفان شیعی است. این کتاب در سال ۱۳۸۲ به تصحیح و مقدمه و شرح نگارنده و به کوشش انتشارات دریای نور شیراز چاپ شده است.

از آنجا که آقا محمد هاشم، داماد سید قطب الدین محمد نیریزی - قطب سی و دوم ذهیّه - بود، راز نوّه دختری و نبیره دختری دو عارف بزرگ نیز بود. این اتصال و ارتباط صوری و معنوی در میان اقطاب ذهیّه از زمان امیر سید علی همدانی معمول بوده است. راز درباره این نسب عرفانی در رساله مرصاد العباد می نویسد: «... جناب علّین آشیان، والد ماجد، به فقیر می فرمودند که تو چهارده پشت و صلب از اولیازادگان این سلسله علیه می باشی، چه از زمان جناب علّین آشیان، میر سید علی همدانی (قطب نوزدهم ذهیّه)، ملقب به علی ثانی آن جناب با جناب شیخ ابواسحق ختانی (قطب بیستم) مواصلت فرموده صیّه خود را به آن خلیفه خود داده الی جناب سید عبد الله برزّش آبادی (قطب بیست و یکم) و تا جناب شیخ درویش محمد کارندهی (قطب بیست و هفتم) الی جناب شیخ حاتم : اوندی (قطب بیست و هشتم) الی جناب شیخ محمد علی مؤذن (قطب بیست و نهم) الی جناب شیخ نجیب الدین رضا (قطب سی ام) الی جناب شیخ علی نقی اصطهباناتی (قطب سی و یکم) الی جناب سید قطب الدین محمد نیریزی (قطب سی و دوم) الی جناب آقا محمد شیرازی (قطب سی و سوم) الی جناب والد ماجد، میرزا عبدالبّی - قدس الله ارواحهم الشریف - چهارده پشت اولیای نامدارند که با یکدیگر وصلت کرده اند و مولود و فرزند ترین فرم...

اما مادر راز، فاطمه، دختر آقا محمد شم شیرازی و نوّه سید قطب الدین محمد نیریزی دانشمند و عارفی کامل بوده است. چنانکه در مناسک العاشقین از مراتب بلند معنوی او یاد شده است:

به من بر آید و سال حق بود چون؟	به مادر گفتمی یک روز کاکنون
به حق آید و کت آفریده	به پاسخ گفت ای نور دو دیده
برون از عقل و دل و سی خیالم	دو ده سال است کاکنون در وصالم
بسی زحمت ز وصل حق کشیدم	جمال غیب حق در دل بدیدم
بجز وصل رضا دیگر نجویم	ره ملک رضا این دم بیجویم

آخرین میراث دار برجسته این دودمان سید جلال الدین محمد شریفی حسینی ذهی شیرازی متخلص به قدسی است که همانند پدرش، راز شیرازی، هر دو منصب تولّیت حضرت شاه چراغ (ع) و قطیّیت سلسله را دارا بود. برخی از آثار قلمی او عبارت است از: تام الحکمه، تحفه الوجود، مرآت الکاملین، خلاصه الذهب، رساله عنقائیه، رساله سیمرخ.

جامعیت صوری و معنوی

گرچه شخصیت معنوی و عرفانی راز چشمگیرترین ساحت وجودی اوست، دانش فراوان و احاطه شگفت‌انگیز او بر معارف گوناگون از حدیث، تفسیر، فقه، کلام، و فلسفه اعجاب‌آور است. تفسیر کبیر آیات‌الولایه (که نمایانگر شیوه علمی و تفسیری اوست) بر صدها روایت و حکمت و استدلال استوار است. در این تفسیر، زیرساختهای وحیانی ولایت علوی مستند به عقل و نقل و شهود بسیار گسترده و ژرف تحلیل و بررسی و به مقتضای مباحث مطرح‌شده، اندیشه‌های گوناگون بزرگان شیعه و سنی نقد و داوری شده است.

حاصل تمام گفتگوها و جستجوهای این عالم ربانی و حکیم صمدانی فقط یک مقصد بلند و یک حقیقت ثابت و جاودانه است و آن ولایت کلیه الهیه است. شاید بتوان این تفسیر را ولایت‌ترین تفسیر قرآن کریم و راز را بزرگترین مدافع و عاشق ولایت علوی دانست. ذوق حکمی و فلسفی راز در کتاب طباشیرالحکمه و اطلاع گسترده او از اندیشه‌ها و مکاتب حرد و فلسفی و کلامی بسیار جالب توجه است، به گونه‌ای که اگر مخاطب او از دیگر کتابهایش بی‌خبر باشد، تصور می‌کند تمام عمر راز در عالم حکمت و اندیشه‌هایی از این دست سپری شده است. به همین صورت، وقتی کتاب مناسک‌العاشقین یا اسرارالولایه او را بررسی می‌کنیم، عارفی فارغ از عالم پیچ در پیچ عقل می‌یابیم و هنگامی که کوثرنامه و اشعار عاشقانه آتشین او را می‌نگریم، او را عاشقی می‌یابیم که چنان از دم مرتضی علی (ع) مست است که جز جمال و جلال محبوب خود به هیچ جلوه و جاذبه‌ای گوشه نظری ندارد؛ که در چند نسل علمی و عرفانی و حکمی در یک وجود پنهان شده است.

از توفیقات بزرگ راز شیرازی این است که او توانست عرفان نذری و عملی شیعه امامیه را در جای جای آثار خود تدوین کند. رساله‌های نور علی نور، زادالمسافرین، طباشیرالحکمه، مناهج‌الانوارالمعرفه و قوائم‌الانوار، و طوابع الاسرار حاصل چنین توفیقی است. اگرچه رساله اخیر بر محور عرفان عملی است، رساله‌هایی که در مجموعه حاضر آمده آمیزه‌ای از مباحث نظری و عملی و زیرساختی عرفان شیعی است.

۱. قید شاید، احتیاط علمی است زیرا نگارنده همه تفسیرها را نخوانده و چه بسیار تفاسیری که نام آنها را نیز نشنیده باشد. اما در مقایسه با بزرگانی چون رجب برسی، سیدحیدر آملی، و قاضی سعید قمی کارنامه راز بسیار گرانبارتر است.

احوال فکری و فرهنگی و اوضاع اجتماعی زمانه راز شیرازی

مکتب عرفان اسلامی از لحاظ فکری و اوضاع فرهنگی-اجتماعی طیّ روزگاران با فراز و فرودهایی روبه‌رو بوده است. شاید بتوان گفت حساس‌ترین مقطع زمانی برای اهل سلوک و معرفت روزگار صفویه است. آثار فکری و میراث فرهنگی این عصر تا روزگار معاصر منشأ تأثیر بوده و با آنکه حکومت دویست و پنجاه ساله صوفیان و امدار سرخ‌کلاهان صوفی مسلک بود، این سلسله با عرفان‌ستیزی به پایان آمد و این میراث را به نسلهای بعدی سپرد؛ به طوری که تا امروز آثار مرده‌ریگ آن در فرهنگ و تفکر دینی و اجتماعی باقی مانده است.

در عصر سنیّه درگیری چندجانبه‌ای بین گروههای فکری و عقیدتی بود. متشرعان با متصوفان و این دو طایفه با فیلسوفان و هرگروهی نیز-همانند اخباریان و اصولیان- در درون خود گفتمان‌های بیهوده بودند.

متأسفانه دربار صفویه به تنها گرگشا نبود که بر نابسامانها می‌افزود. بسیاری از شخصیت‌های برجسته علمی، اجتماعی تصور می‌کردند همه کارها بسامان است و کارها در نزاع سامان می‌باید. اما اهل بصیرت یثقه گرفتاریها و بدبختیها را به‌خوبی می‌دیدند و می‌شناختند، اما کاری از دستشان ساخته نبود.

یکی از این دردشناسان روزگار عارف بزرگ آن عصر سید قطب‌الدین محمد تبریزی بود. او نامه‌ای به شاه سلطان حسین نوشت و ترابه و پریشانی اوضاع را به او خاطرنشان کرد. شاه در پاسخ سید چنین نوشت:

راست است که فتنه افاغنه در کار است. ما هم خود به علاوه تدارک دولتی، تهمة دعایی کرده قدغن فرموده‌ایم در اندرون‌ها از رجال و نساء نمودیم لا اله الا الله بخوانند صباح و مساء درکارند ان شاء الله آتش معتبری فراهم آورده به فقیران بخواهند خورائید و دفع غائله می‌شود و از خیرخواهی‌ات امتنان دارم.^۱

اگرچه پاسخ شاه سید را نومید کرد، او از کار و کوشش باز نایستاد و رساله‌ای تألیف کرد به نام طب الممالک و در آن اصلاح و سامان ایران و سرچشمه پریشانیها را تحلیل کرد. این اقدام نیز نتیجه‌ای نبخشید و سرانجام حکومت دویست و پنجاه ساله صفوی فرو ریخت و میراث نزاع و فتنه در زیر خاکستر بر جای ماند.

۱. این نامه در مقدمه رساله جامع‌الکلیات، تألیف ام سلمه بیگم تبریزی، دختر سید قطب‌الدین، آمده است (شیراز، مطبعة احمدی، ۱۳۳۴ ق. به اهتمام وحیدالاولیاء، میرزا احمد مرتضوی تبریزی).

از مخرب‌ترین اسبابی که هویت مکتب عرفان را در این روزگار در منظر دیگران زشت می‌نمود وجود عارف‌نمایان و تظاهریشگانی بود که ذکر و فکر و ذوق و سماع و امثال این آداب را ابزار قدرت و مقبولیت و معاش خود کرده بودند. به همین سبب، تر و خشک و خوب و بد با هم سوختند و فتنه‌ای سهمگین و بنیانکن از درگیریهای بیهوده متشرعان و متصوفان پدید آمد. گستره این بدبینیها تا جایی پیش رفت که بزرگانی چون فیض کاشانی و ملاصدرای شیرازی از طعن و فشار زمانه در امان نماندند؛ اگرچه همین حکیم نامی کتابی در ردّ عارف‌نمایان نگاشت و نام آن را کسر اصنام الحاسنه گذاشت.

در این روزگار کتابهای فراوانی در ردّ تصوف نوشته شد^۱، و به قول شادروان علامه قزوینی، صوفیه به اقدام سختی و خشونت تعقیب و به جلای وطن و نفی بلد و قتل مؤاخذه و محکوم گردید.

با این همه، به نظر استاد زرین‌کوب در کتاب دنباله جستجو در تصوف ایران (۱۳۸۴: ۲۲۳): «شعر و تصوف هر دو در این دوره برای خود روز بازاری داشته‌اند؛ نهایت آنکه این هر دو در این عهد خط سیر بر غلظت آنچه در ادوار قبلی داشته‌اند طی کرده‌اند...». میراث ماندگاری که از پریشانی‌های سرگشته‌ی صوفیه با حوادث تلخ اجتماعی و سیاسی درآمیخت و تا میانه عهد قاجار ادامه یافت—قتل و تکفیر و بدبینی و منازعات شدید فکری و اجتماعی بود. از این رو، اهل عرفان که گذرگاه عاقبت را تنگ می‌دیدند، جریده‌روی و گمنامی را پیشه کرده و خود را از فتنه و آشوب‌های معرکه کنار کشیده بودند.

در چنین شب سیاهی، که راه مقصود برای طالبان سلوک گم شده رد، در تحسین‌برانگیز راز شیرازی پرده از جمال عرفان شیعی یکسو کرد و تبیین مبانی سیر و سلوک الهی مستند به قرآن و سیرت و سنت اهل عصمت و عقلانیت وجهه‌ی همت او گردید.

راز و پیشینانش عنایتی به اصطلاحات صوفی و تصوف و آداب و رسوم مغایر با فرهنگ عامه نداشتند، بلکه با هندسه‌ای روشن از دانش و بینش و برهان روشن—محوری‌ترین اصل معرفت و سلوک را اساس کار خود قرار دادند و آن اصل بزرگ و جاودانه ولایت بود که مرکز ثقل تمام معارف شیعی بلکه ملتقای وحدت تمام مذاهب الهی است و اگر

۱. نک. تاریخ ادبیات در ایران، تألیف ذبیح‌الله صفا، ج ۵، بخش سوم، ص ۲۲۰-۲۱۴.

۲. برای اطلاع جامع، نک. دنباله جستجو در تصوف ایران، تألیف استاد زرین‌کوب.

به‌خوبی تفسیر و تبیین شود، همه آشوبها و اختلافات در این دریا آرام می‌گیرد و آرامش مستولی می‌شود. طرفه آنکه ولایت با هر نحله‌ای نیز دمساز و برای هر گروهی از حکیم و فقیه و فیلسوف و مفسر گرفته تا کلامی نیز جذاب است.

هندسه فکری و زبانی راز شیرازی

مقصود از هندسه فکری روابط ویژه‌ای از مؤلفه‌های عقلانی و علمی مجردی است که با اسلوبی ویژه در زبان و بیان گوینده و نویسنده به گونه‌ای پدیدار می‌شود که می‌توان سایه‌ای از آن را در هندسه‌ای تصور کرد. مثلاً، وقتی مثنوی مولانا جلال‌الدین را مطالعه می‌کنیم، دریابیم که زیرساخت فکری و تجربی مولانا بر اساس عقل بارور شده و تجربه‌های خاص فردی مثل شهود عرفانی و نیز آیات الهی و روایات دینی بنا شده است. مولانا به طرز محال جهان عقلانیت و شهود را با استفاده از عوامل قدرتمند و حیانی به یکدیگر نزدیک می‌زند. به همین سبب، تثلیثی به اعتدال از عقل و نقل و شهود شکل می‌گیرد. شاید اگر این الگو را هندسه معرفتی بنامیم، گویاتر باشد.

غالب بزرگانی که در این علم صوری و مراتب معنوی عرفانی بوده‌اند هندسه‌ای تثلیثی در آثار خود به یادگار گذاشته‌اند. از برجسته‌ترین عارفان حکمت‌پژوهی که از این دست بوده‌اند می‌توان از شیخ سیدحسین آملی، قاضی سعید قمی، و شیخ رجب برسی به‌مثابه نمونه‌های عالی این تثلیث یاد کرد.

خرد، ذوق، و ایمان یا طبیعت و ماورای طبیعت و عقلانیت در این ساختار فکری دست در دست یکدیگر دارند و همدیگر را تأیید می‌کنند.

این ساختار یکی از پیچیده‌ترین شکل‌های فرهنگ ابعی و بالطبع ایرانی است. هویت و ارزش این تثلیث را چگونگی روابط عناصر به‌گونه‌ای تعیین می‌کند. معتدل‌ترین و مطلوب‌ترین شکل آن را می‌توان در مثلث متساوی‌الساق تصور کرد. این صورت حاکی از اعتدالی است بین ظاهر و باطن به گونه‌ای که در امر محسوس در یک صعود سیالی طولی به رأس هرمی ختم می‌شود که نقطه توفیق و تلفیق ملک و ملکوت یا غیب و شهادت است.

این نقطه وحدت که مرکز ثقل ارتباط الوهیت و عبودیت است در مکتب عرفانی راز شیرازی همان ولایت کلیه الهیه است. مباحث نظری و بنیادی آن در تمام آثار راز مبتنی بر تثلیث عقل و نقل و شهود است. شخص ولی مطلق آینه تمام‌نمای تمامی اسما و صفات الهی بلکه عین اسم و عین ظهورست.

راز شیرازی در تحلیل و تفسیر خود از ولایت مطلقه هم از آیات الهی مدد می‌گیرد و هم از احادیث معصومان و این دو وجه را در قالب گزاره‌های شفاف عقلانی مطرح می‌کند. در کتاب تفسیر آیات‌الولایه (۱۳۲۳، ج ۱: ۹۳) ولایت علوی را با چنین گزاره‌های روشنی این‌گونه تفسیر می‌کند:

ولایت علویه ولایت‌الله است که هُنَا لِكَا الْوَلَايَةِ لِلَّهِ الْحَقُّ به سبب بی‌نهایتی ذات پاک خداوندی و صفات کمالیه او، جَلَّ مَجْدُهُ صفات فضل و مناقب ولی او نیز بی‌نهایت است. و چون ولایتش ولایت‌الله است محبت آن حضرت نیز محبت‌الله است و معرفت آن حضرت نیز معرفت‌الله است و اطاعتش اطاعت‌الله است و لقائش لقاء‌الله است و وجهش وجه‌الله و قدرتش قدرت‌الله است و يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ پس سزاوارتر است که معرفت و محبت و طاعت آن حضرت به جهت شیعیان و محبتانش خیر کثیر و حکمت حقه بالغه باشد.»

ولایت کلّیه الهیه که وارد مائیس حضرت رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) مظهر اتم آن‌اند به ارث محمدی مناسبت وجود مبارک حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (س) متجلی است. این ولایت بن‌الظن امان، اصل‌الاصول دین مبین اسلام، و بلکه حقیقت همه ادیان الهی است. آن عارف نخستین کسی است که اصطلاح «ولایت محمدی علوی» را به کار برده است، زیرا این دو رجوع مقدس الهی در کمال اتحاد و یگانگی‌اند که از دو پیکر مبارک به ظهور آمده‌اند (همان: ۴).

ولایت محمدیه علویه — علیهم‌السلام — ولایت‌الله است و اعلم‌الاصول دین مبین و مذهب شیعه — کثر الله امثالهم — بلکه اصل و رکن اعظم جمیع ادیان الهیه و مذاهب انبیای سلف و خلف است و بدون تشیید بنیان ولایت هیچ اصلی از اصول دین که توحید و عدالت و نبوت و معاد است از عباد مقبولی درگاه احدیت نیست. پس، سر ولایت به قول حضرت معصوم معانی توحید و باطن نبوت و بذل حالات معادیه و ثمرات جنت است. بلکه هیچ فرع‌ی از فروع خمس، که صلات و زکات و صوم و حج و جهاد است، بدون ولایت به معرض قبول نخواهد آمد؛ چه، فروع و اغصان را بدون اصول و ارکان طراوت و ثمر و فروغی نیست. و عامه اصول و فروع دین را بدون ولایت که اصل و رکن اعظم است کمال محافظت و مراعات نموده‌اند، مع‌ذلک امید نجاتی از برای آنها نیست چنانکه سید مرتضی علم‌الهدی (ره) بر این عقیدت می‌باشند.

معرفت و طاعت آن حضرت بکوشد و در انتظار فرج قائم آل محمد (عج) باشد که پایه متین این رابطه است (همانجا):

.... و رابطه قلب با ایشان که در آیه مأموریه است به طریقه ولایت و محبت قلبی با آن حضرات است یا با شیعیان ایشان که مرابط القلب با ایشان [حضرت ولی عصر عجل الله فرجه] باشند. و این طریقه مرابطه از اعظم فنون طاعات و عبادات است، زیرا که مأثور است که بهترین طاعتی بعد از فرائض خمس در غیبت حضرت امام عصر — علیه السلام — انتظار فرج آل محمد (ع) است و مرابطه قلبی با آن حضرت مستلزم انتظار فرج است.

طرفه آنکه اصل رابطه — در تفسیر راز شیرازی — هم از لحاظ هویت و هم از حیث موضوع ساختار، تثلثی دارد. هویت رابطه از سه عنصر: محبت، طاعت، و معرفت امام (ع) صورت و وجودی پیدا می کند. اینها عناصر معنوی و درونی است. اما از جهت موضوع — یعنی وسایل — رابطه را ممکن می سازد — نیز ساختاری تثلثی دارد، زیرا سالک این راه با تطبیق علم یا شهود یا علم و شهود توأمان به آن حضرت سیمرغ قاف احدیت راه می یابد. معلوم است که کامل ترین و روشن ترین مسیر این رابطه در گروه سوم است. البته راز شیرازی دو گروه علمای ربانی و عرفای الهی را وسیله هایی مطمئن در اصل رابطه می داند، اما در نگاهی جامع تر نظر شیخ شهید (متوفی ۹۶۵ ق.) را در کتاب منیه المریده سخت می پسندیم. شرح و بسط آن همت می گمارد (همان: ۱۱۷).

شگفت آنکه شیخ شهید نیز با استشهاد به این روایت نبوی که «سأل العلماء و خالط الحكماء و جالس الكبراء واسطه های این راه الهی را به صورت تثلثی در سه طایفه علماء، حکماء، و کبراء منحصر کرده و علمای شریعت محمدی (ص) را سه گروه دانسته: علماء بامر الله: عالمانی که امر الهی را با تدریس و تدرّس و تقوا فرا گرفته اند؛ علماء بالله: فقط عالمانی که از طریق اشراق قلبی صاحب علم وراثتی و لدنی اند؛ و علماء با الله و بامر الله معاً [یا هم]: عالمانی که هم صاحب اشراق قلبی و هم دارای دانشهای اکتسابی اند (العاملی، ۱۳۸۵: ۱۲۵)

راز شیرازی پس از معرفی این سه طایفه بزرگ نشانی هر گروه را — که آن هم به صورت تثلثی است — برشمرده و پس از بحثی دراز دامن آثار و برکات رابطه با هریک از این سه طایفه را بیان کرده است (شیرازی، همان: ص ۹۲).

از نتایج محوری این مباحث در تحقیقات جامع راز شیرازی حجت اصل
 اجتهاد و تقلید و رجوع به روایان احادیث اهل عصمت در دوره غیبت مهدی (عج)
 است. کمال این مرابطه تحقق وجه باطنی آن است، یعنی دخول در نور ولایت
 معصومی و به قول سیدحیدر آملی پدید شدن نسبت معنوی با آن حضرت است.
 حصول این دولت بزرگ — به نظر راز — از طریق علماء بالله و بامرالله (طایفه سوم)
 است، که در حقیقت علم و عرفان و برهان یا شریعت و طریقت و حقیقت را در
 خود جمع کرده‌اند. راز شیرازی این مبحث تحقیق را با این عبارات به پایان می‌برد
 (همان: ۱۸۸):

... ر این احادیث شریفه ظاهر آمد که طایفه ثالثه از علما که ملقب به کبراء اند و
 مأررند امت به مجالست و اتحاد با ایشان چون عصیر از نور ولایت اهل عصمت
 علیهم السلام اند، کمال اتحاد و ارتباط با این بزرگواران دارند، پس مرابط با
 حضرت امت معصومه — علیه السلام — می‌باشند و ارتباط قلبی به محبت و متابعت با ایشان
 باعث ارتباط با امام (ع) است. دخول در نور ولایت ایشان دخول در نور ولایت معصوم
 (ع) است چنانکه طایفه ثانی از علما، روایان احادیث معصوم — علیه السلام — اند، طایفه
 ثالثه روایان نور ولایت معصوم (ع) اند، قلوب صافیة زاکیه.

بدین ترتیب، شناختن و شناساندن اصل ولایت و آثار و برکات و ملکوت و معارف
 بلند آن محور تمام فعالیت‌های گرانسنگ صورت و صورت راز شیرازی است.
 افزون بر آنچه گذشت، او عاشقی آتش افروز و جوان، رده است که وقتی چنگ شعر
 می‌نوازد، جهانی شور، عشق، و مستی نثار محبوبان خرد که ذوات مقدسه چهارده
 معصوم اند می‌کند و جز مدح، ثنا، و منقبت ایشان هیچ نمی‌گوید.
 واقعیت این است که اگر دهها دفتر سنگین در معرفی این ابریه کم نظیر تدوین
 شود، هنوز حق آن حقگزار بزرگ ولایت علوی ادا نشده است. همت و خیزش آسمانی
 و تأییدی ربانی باید تا پرده از جمال آن عروس کبریایی یکسو شود.
 مجموعه حاضر تصحیح و شرح پنج رساله از آثار آن حکیم سترگ است و به همت
 دوست عزیزم، عباس مرادی، در قالب رساله دکتری به راهنمایی نگارنده تدوین شده
 است. دقت تحسین برانگیز و نظم علمی و ملکات بلند اخلاقی ایشان نفحات توفیق
 الهی را به شایستگی جذب کرده و سبب شده که غبار غربت از میراثی گرانسنگ زوده
 و پژوهشی شایسته به جامعه علمی تقدیم شود.

مشاوره و داوری علمی همکاران ارجمندم، دکتر نجف جوکار، دکتر اکبر نحوی، دکتر جلیل نظری، و خانم دکتر زرین تاج واردی بسیار مغتنم و راهگشا بود. توفیق روز افزون همگی را از حضرت ولی التوفیق درخواست می‌کنم. امیدوارم با همت استادان و جوانان پاکدل ایران عزیز، تمام موارث ارزشمند علمی و عرفانی که در سرتاسر این دیار پاک نهفته است آفتابی شود و بر رونق ظاهری و باطنی این سرزمین مقدس بیفزاید. بمنه و کرمه.